

بررسی ترکیب اندام‌وار صنایع ادبی با محوریت استعاره در پنج گنج نظامی گنجوی

دکتر محسن ایزدیار *

سیده محمد عبدی **

سعیده قاسمی ***

چکیده

غافل شدن بلاغیون از متن‌های ادبی از قرن پنجم به بعد از جمله عواملی بوده است که باعث گردیده بلاغت سنتی فارسی - عربی از پیشرفت باز بماند و نوآوری‌های شاعران و نویسندگان نادیده گرفته شود. نمونه‌ای از این خلاقیت‌ها ترکیب ارگانیک صنایع ادبی است که فارغ از مبانی و روش‌های بلاغت سنتی گاه به صورت گذرا و غیرنظاممند از جانب برخی از محققان سنتی یا معاصر تحت عنوان همراهی یا ترکیب صنایع مورد اشاره قرار گرفته است. اما در این پژوهش با بهره‌گیری از نظریه ترکیب اندام‌وار که بر رابطه متقابل و وابستگی عناصر یک ساختار تأکید می‌کند و از سوی ساختارگرایان حلقه پراگ و اصحاب نقد نو مطرح گردیده، سعی در نظام‌مند کردن این حقیقت ادبی داشته‌ایم و با محوریت قراردادن استعاره، نمونه‌های آن را در پنج گنج نظامی مورد بررسی قرار داده‌ایم. نخست، تمامی ساخت‌های یافت شده را به همراه نمونه و توضیحات لازم معرفی کرده و بسته به تعداد صنعت‌های ترکیب شده، آنها را به ساخت‌های دو، سه و چهاربعدهی تقسیم کرده‌ایم. سپس از طریق جدول، بسامد به کارگیری آنها را در هر یک از منظومه‌های پنج‌گانه نشان داده‌ایم تا به صورت نظام‌مند، قابلیت‌های این حقیقت ادبی و هم‌چنین کمیت و کیفیت به کارگیری آن در شعر نظامی گنجوی معلوم گردد. در این نوع ترکیب، استعاره‌ها با صنعت‌های مختلف بیانی و بدیعی، وحدتی اندام‌وار پیدا کرده و ساخت‌های تازه‌ای را ایجاد نموده‌اند که مهم‌ترین دستاورد آن در رابطه با زبان شعری، آشنایی‌زدایی از صنعت‌هایی است که به خاطر کاربرد زیاد به فرایند آشناسدگی دچار شده‌اند.

واژه‌های کلیدی

ترکیب اندام‌وار، بلاغت، استعاره، پنج‌گنج.

* استادیار، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد اراک، گروه زبان و ادبیات فارسی، اراک، ایران.

** دانشجوی دوره دکتری زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه علامه طباطبایی، تهران، ایران. (نویسنده مسئول)

*** دانشجوی دوره دکتری زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه علامه طباطبایی، تهران، ایران.

تاریخ پذیرش: ۹۷/۴/۲۵

تاریخ دریافت: ۹۷/۲/۱۵

در باره نقطه‌ضعف‌های بلاغت سنتی در واکاوی زیبایی‌های سخن ادبی به شکل‌های مختلف سخن گفته‌اند. یکی از این نقاط ضعف، فاصله گرفتن بلاغت سنتی از متن‌های ادبی است. یعنی تدریس قواعد بلاغت بدون توجه به تحلیل متن‌های ادبی و در عوض، آمیختگی آن با مباحث منطقی و فلسفی و کلامی و اصولی و نحوی به صورت گسترده که از نیمه نخست قرن ششم و به ویژه از طرف فخر رازی آغاز گردید.

شوقی ضیف معتقد است در دوران درخشش علوم بلاغی یعنی قرن پنجم که هنگام فعالیت عبدالقاهر جرجانی و زمخشری است، نظریه دو دانش معانی و بیان در آثار این دو تن از متن جدا نبود. زمخشری، مباحث نظری علم معانی و علم بیان را در بستر آیات قرآن مورد بررسی قرار می‌داد و هم‌چنین به متون نظم و نثر عرب استشهد می‌کرد، و عبدالقاهر نیز به همین شیوه شاخه‌ها و فروع معانی و بیان را در بین متن‌هایی از قرآن کریم و شعر و نثر سراغ می‌گرفت. این دو نابغه کم‌نظیر، مظهر استحکام مبانی نظری علم معانی و بیان در بالاترین حد ممکن بودند. طوری که عالمان دوره‌های بعد قادر نبودند چیز مهمی بر آن بیفزایند. در نتیجه به آموزش دیدگاه‌های عبدالقاهر و زمخشری پرداخته و تنها به تلخیص نوشته‌های این دو دل خوش کردند. (ضیف، ۱۳۶۶: ۳۶۶)

این موضوع از عواملی بود که باعث شد بلاغت ما پویایی و شکوفایی خودش را از دست بدهد و مبانی نظری آن به صورت قواعدی خشک و ایستا درآید:

بدین گونه قواعد بلاغت دچار تحجر و جمود شد... چیزی نگذشت که سترونی در بلاغت عمومیت یافت و مباحث بلاغی از متون ادبی فاصله گرفت و به صورت مجموعه‌ای از قواعد خشک - چون قواعد صرف و نحو - درآمد که اساتید می‌باید فارغ از توجه به متون ادبی - به جز آنچه در کتاب‌های عبدالقاهر و زمخشری آمده بود - به تدریس آن‌ها پردازند و گاهی هم دست به تألیفاتی در این زمینه بزنند؛ بی آن‌که عنایتی به متون ادبی، مگر آنچه از آثار عبدالقاهر و زمخشری، فراهم آورده‌اند، داشته باشند. (همان: ۳۶۷).

بررسی ترکیب اندام‌وار صنایع ادبی با محوریت استعاره... ۱۷۵

با توجه به آنچه گفته آمد، یعنی فاصله‌گرفتن مباحث بلاغی از متن‌های ادبی، ضرورت بازنگری متن‌های ادبی به جهت یافتن نوآوری‌های بلاغی که شاعران و نویسندگان به آن اهتمام ورزیده‌اند ولی در کتاب‌های بلاغت - بنا به دلیلی که در بالا ذکر گردید - به آن پرداخته نشده احساس می‌شود. یکی از این موارد، ترکیب اندام‌وار^۱ آرایه‌ها و صنایع ادبی برای ایجاد ساخت‌های بدیع و تازه است.

از میان شاعران فارسی‌زبان یکی از کسانی که به صورت قابل توجهی به پیوند اندام‌وار صنایع پرداخته، نظامی گنجوی (حدود ۵۳۰ قمری؛ گنجه - ۵۹۹ یا ۶۰۸ یا ۶۱۴؛ گنجه) است. نظامی از مثنوی‌سرایان و شاعران بزمی ایران است که منظومه او یعنی پنج‌گنج (خمسه) در قلمرو داستان‌های غنایی ممتاز بوده و او را باید سرآمد بزمی‌سرایان ادب فارسی دانست. نظامی از دانش‌های رایج روزگار خویش اعم از علوم ادبی، نجوم، اطلاعات اسلامی، و زبان عربی آگاهی داشت و همین موجب پروردگی و غنای معنوی شعر وی گردیده است. اما در کنار معنا، شعر او از نظر فرم و شکل ظاهری هم به خاطر بیان نیکو در قالب واژگان و تعبیرهای بدیع و زیبا از ارزش هنری بالایی برخوردار است.

زبان شعرش به علت توجه زیاد به صنایع ادبی، نیروی خیال قوی، قدرت وصف و دقت نظر، دقت و مهارت در انتخاب واژگان و ابداع ترکیب‌های تازه از ارزش هنری بالایی برخوردار است. یکی از انواع این ترکیب‌ها، ترکیب یا پیوند اندام‌وار صنایع ادبی است. در این پژوهش قرار است آن دسته از ترکیبات اندام‌وار صنایع ادبی را که در پنج‌گنج نظامی و با محوریت استعاره به وجود آمده و از تنوع و بسامد قابل توجهی برخوردار است مورد بررسی قرار دهیم.

بدیهی است پژوهش حاضر صرفاً به بررسی پنج‌گنج نظامی گنجوی از منظر کاربرد استعاره‌های اندام‌وار پرداخته است و به دلیل تازگی موضوع، بحث قابل تعمیم و بررسی در سایر آثار ادبی است که از حوصله این مقاله خارج است.

1- organic

□ فصلنامه زیبایی‌شناسی ادبی ❖ سال شانزدهم ❖ شماره ۳۵

پیشینه تحقیق

از میان بلاغیون سنتی و معاصر، کسانی هستند که در میان نوشته‌های خود به صورت اشاره‌وار به چنین ترکیباتی اشاره کرده‌اند. مثل آزاد بلگرامی در غزالان الهند که از آرایه تشبیه استخدامی نام برده است (۱۳۸۲: ۹۵) و تاج الحلاوی که در دقایق شعر به همراهی تشبیه و تکرار اشاره کرده است (۱۳۸۳: ۱۸-۱۹). یا این که مثل وحیدیان در کتاب بدیع از دیدگاه زیبایی‌شناسی سخنی از ترکیب به میان نیاورده بلکه به همراهی آرایه‌ها اشاره داشته‌اند (۱۳۷۹: ۵۵، ۷۷، ۹۹، ۱۲۴، ۱۴۷، ۱۴۸ و ۱۷۰). تنها دو مقاله را که در سال‌های اخیر نوشته شده می‌توان نام برد که در آن‌ها به صورت جدی به این موضوع پرداخته‌اند:

نخست مقاله «ساخت‌های بلاغی مرکب و کاربرد آن‌ها در تخلص به مدح» (خبازها، ۱۳۸۹) که ضمن تأکید بر ضرورت پرداختن به ساخت‌های مرکب بلاغی و همچنین بررسی سابقه توجه به این نوع ترکیب، پنج مورد از ساختارهای مرکب را که از نظر نویسنده جزو پرکاربردترین آن‌ها است و در بیت تخلص قصیده مورد استفاده قرار گرفته، با ذکر نمونه‌هایی معرفی کرده است. دیگر، مقاله «استعاره‌های ترکیبی، گونه‌ای نویافته از استعاره در سروده‌های خاقانی شروانی» (حسین‌پناهی و دیگران، ۱۳۹۰) که نویسنده گونه‌ای جدید از استعاره با نام «استعاره‌های ترکیبی» را در شعر خاقانی مورد بررسی قرار داده است. به علاوه، در بررسی آثار نظامی، باید به کتاب پارساپور با عنوان مقایسه زبان حماسی و غنایی با تکیه بر خسرو و شیرین و اسکندرنامه اشاره کرد که در فصلی با عنوان «کاربرد هنری کنایه در شعر نظامی» به ترکیب کنایه با تکرار، جناس و تناسب پرداخته است.

وجه مشترک تمامی موارد یاد شده در این است که همه آن‌ها یا به صورت اتفاقی و غیر نظام‌مند با پدیده ترکیب صنایع برخورد کرده‌اند. یا این که مثل وحیدیان و راستگو، سخنی از ترکیب به میان نیاورده بلکه به همراهی آرایه‌ها اشاره نموده‌اند.

استعاره‌های اندام‌وار^۱

در متن‌های ادبی موجود در حوزه زبان فارسی، نمونه‌های بسیاری دیده می‌شود که در یک عبارت نظم و نثر، چند صنعت ادبی در کنار هم آورده شده. برای نمونه در این بیت سعدی: ندانم از سر و پایت کدام خوب‌تر است چه جای فرق که زیبا ز فرق تا قدمی که در آن تجاهل عارف، جناس تام، مراعات نظیر و تضاد و مطابقه به کار رفته و همایی ضمن ذکر صنایع نام برده، آن را به عنوان نمونه‌ای برای صنعت «ابداع» مثال زده است (همایی، ۱۳۸۶: ۳۱۴). نکته‌ای که در مورد این صنعت وجود دارد، تعدد صنایع ادبی در یک بیت یا پاراگراف است، بی‌آن‌که با هم رابطه‌ای داشته باشند.

پیوند اندام‌وار صنایع ادبی

فارغ از همراهی صرف صنعت‌های ادبی مانند آن‌چه که در باره صنعت ابداع گفته شد، نمونه‌های دیگری یافت می‌شود که در آن‌ها دو یا چند صنعت ادبی با هم ترکیب شده و به صورت یک کل بزرگ‌تر ظاهر گشته‌اند که شاید هرکدام از این صنایع به تنهایی بدیع و جذاب هم نباشد، اما در اثر این ترکیب، به خاطر بدیع بودن و چندلایه بودنش که ذهن را بیشتر درگیر می‌کند، باعث شده که خواننده به لذت هنری بیشتری نایل شود.

به بیان دیگر، هریک از این ترکیب‌ها، کلیتی است که اجزاء تشکیل‌دهنده‌اش که همان صنایع ادبی باشد از طریق پیوند ارگانیک، به وحدت رسیده‌اند. یعنی هر جزء اثر با اجزای دیگر هماهنگی دارد و تأثیر کلی‌ای که در ذهن خواننده باقی می‌گذارد، هم ناشی از تک تک اجزا و هم ناشی از ارتباط مجموع این اجزا است که در شکل تبلور می‌یابد. برای نمونه بیتی که تاج‌الحلایوی مثال زده است و از آن با عنوان تشبیه مع‌التکریر نام می‌برد:

چو حال من تو را آن زلف و آن خال سواد اندر سواد اندر سواد است

۱۷۸ ■ بررسی ترکیب اندام‌وار صنایع ادبی با محوریت استعاره...

در این بیت تشبیه و تکرار همان پیوند اندام‌وار و ناگسستگی که در بالا اشاره شد را ایجاد کرده است به طوری که در نظر آوردن هرکدام از آن‌ها به تنهایی ممکن نیست. و به گفته تاج‌الحلاوی «این معنی بدین زیبایی جهت مصاحبت تشبیه است؛ او را تکریر مجرد خواندن ظلم باشد» (تاج‌الحاوی، ۱۳۸۳: ۱۸-۱۹). و یا این بیت از مخزن الاسرار نظامی که در آن تشبیه و تناسب ترکیب یافته‌اند:

این همه صفرای تو بر روی زرد سرکه ابروی تو کاری نکرد

(نظامی، ۱۳۸۸: الف: ۱۰۵)

تشبیه ابروی در هم رفته به سرکه، با صفرا تناسب دارد. سرکه برای دفع صفرا مناسب است.

پیوند اندام‌وار با محوریت استعاره

در این نوع از ترکیب که موضوع این مقاله بوده و قرار است در ادامه به واکاوی آن پردازیم، صنایع به همان شیوه که در بالا توضیح داده شد ترکیب می‌شوند، ولی با محوریت استعاره. به عنوان نمونه:

چو عاشق دید کآن معشوق چالاک فروخواهد فتاد از باد بر خاک

(نظامی، ۱۳۸۵: ۲۰۸)

در این بیت «باد» استعاره از اسب است. یعنی مستعار منه، به گونه‌ای انتخاب شده است که با واژه «خاک» تناسب داشته باشد. بر این قیاس می‌توان موارد دیگری را نیز مورد بررسی قرار داد مثل «تشبیه اندام‌وار».

قابل ذکر است آنچه که نویسندگان این مقاله از پیوند یا ترکیب اندام‌وار در نظر داشته‌اند همان مفهومی است که (تاج‌الحلاوی) و (آزاد بلگرامی) تحت عنوان‌های تشبیه مع‌التکریر و تشبیه استخدامی به آن اشاره داشته و - حسین پناهی و دیگران (۱۳۹۰) و خبازها (۱۳۸۹) با عنوان استعاره‌های ترکیبی و ساخت‌های بلاغی مرکب بررسی کرده‌اند. اما علت اکتفا نکردن

بررسی ترکیب اندام‌وار صنایع ادبی با محوریت استعاره... ۱۷۹

به اصطلاح «ترکیب» و به کاربرد اصطلاح «اندام‌وار»^۱ این است که این موضوع به تحلیل «شکل»^۲ مربوط می‌شود و اصطلاح اندام‌وار در نقد فرمالیستی، اصطلاح رایجی است که پیشینه آن به شاعران و نویسندگان رمانتیک قرن نوزدهم به ویژه کولریج بازمی‌گردد که در برابر فرم مکانیکی شعر کلاسیک، فرم اندام‌وار را مطرح کردند. (نقل به مضمون. گری، ۱۳۸۲: ۳۲۳) منظور از این اصطلاح، این است که «هر جزء اثر با اجزای دیگر هماهنگی دارد و تأثیر کلی‌ای که در ذهن خواننده باقی گذاشته می‌شود، هم ناشی از تک‌تک اجزای و هم ناشی از ارتباط مجموع این اجزاست که در شکل تبلور می‌یابد». (پاینده، ۱۳۶۹: ۲۶)

با توجه به این توضیح در باره «اندام‌وار» و مطابقتش با این مفهومی که ما از پیوند اندام‌وار صنایع در نظر داریم، و هم‌چنین آشنا بودن این اصطلاح در زمینه نقد ادبی و پشتوانه نظری آن، اصطلاح «استعاره‌های اندام‌وار» و «ترکیب اندام‌وار صنایع» را بر «استعاره‌های ترکیبی» و «ترکیب صنایع» ترجیح داده‌ایم.

استعاره‌های ارگانیک در پنج‌گنج

مجموع ترکیب‌هایی را که نظامی با محوریت استعاره ساخته، می‌توان در قالب چند ساختار معرفی کرد. منظور ما از ساختار، آن چارچوب‌های تکرارشدنی است که هر یک از این استعاره‌های اندام‌وار را زیر پوشش قرار می‌دهد. به عنوان مثال: ساخت «استعاره + تشبیه + ایهام تناسب». تمام ترکیب‌هایی را که در این چارچوب ساخته شده‌اند، در ذیل این ساختار طبقه‌بندی کرده‌ایم. نکته دیگر این که در ترتیب هر یک از صنایع، اولویت را بر اساس کلیدی‌تر بودن نقش آن صنعت در ترکیب، قرار داده‌ایم. برای نمونه، در همین ترکیبی که یاد شد، نقش تشبیه را مهم‌تر و کلیدی‌تر از ایهام تناسب یافته‌ایم. در نتیجه، بعد از استعاره که رکن اصلی است، تشبیه و سپس ایهام تناسب را ذکر کرده‌ایم. هم‌چنین، تمامی ساخت‌های شناسایی شده را

1- Organic

2- form

۱۸۰ بررسی ترکیب اندام‌وار صنایع ادبی با محوریت استعاره...

بر اساس تعداد عناصر موجود در ترکیب، در سه دسته کلان جای داده‌ایم و آن‌ها را با عنوان: «ساخت‌های دوبعدی»، «ساخت‌های سه بعدی» و «ساخت‌های چهار بعدی» تقسیم‌بندی کرده‌ایم. به این معنی که هریک از صنعت‌های موجود را به عنوان یک بعد از ابعاد این ترکیب در نظر گرفته‌ایم. در ادامه هریک از این ساخت‌ها را به همراه یک نمونه از متن معرفی کرده‌ایم و سایر نمونه‌ها را برای زیاد نشدن حجم مقاله به شماره صفحه و بیت ارجاع داده‌ایم.

ساخت‌های دوبعدی

استعاره + تناسب

خفتن آن گـرگ چـو روبـه بدید / خواب در او آمد و سر درکشید
(نظامی، ۱۳۸۸: الف: ۱۰۷)

دزد از طریق استعاره به «گرگ» همانند شده که با «روبه» تناسب دارد.

(برای مشاهده بقیه نمونه‌ها ر.ک: نظامی، ۱۳۸۴: ۱۲۳، ۱۵۶، ۱۷۸، ۱۷۹، ۱۹۵، ۲۱۸، ۲۵۲، ۲۵۵، ۲۵۶، ۲۶۳، ۲۸۴، ۲۸۶؛ ۵۰: ۱۳۸۵، ۶۹، ۷۰، ۹۲، ۱۲۱، ۱۴۲، ۱۴۵، ۱۵۱، ۱۸۰، ۱۸۹، ۱۹۹، ۲۰۸، ۲۴۴، ۲۸۷، ۲۹۰، ۳۱۱، ۳۷۲، ۳۷۴؛ ۱۳۸۸ الف: ۱۱، ۱۵، ۱۹؛ ۱۳۸۸ ب: ۱۰، ۱۴، ۱۸، ۲۲، ۲۶، ۳۱، ۳۷، ۴۰، ۴۲، ۴۹، ۵۱، ۶۰، ۶۶، ۷۲، ۷۵، ۸۰، ۹۲، ۱۰۳، ۱۱۸، ۱۴۰، ۱۵۱، ۱۵۶، ۱۶۱، ۱۸۵، ۱۹۴، ۱۹۵، ۱۹۶، ۲۰۳، ۲۰۴، ۲۳۲، ۲۴۳، ۴۱۱، ۴۱۲، ۴۱۹؛ ۱۳۸۹ الف: ۳، ۴، ۹، ۱۲، ۳۵، ۳۹، ۵۱، ۵۶، ۵۹، ۶۲، ۷۱، ۱۲۱، ۱۲۲، ۱۶۰، ۱۶۱، ۱۶۸، ۱۷۱، ۱۸۳، ۱۸۹، ۲۰۳؛ ۱۳۸۹ ب: ۱۲، ۱۶، ۲۱، ۳۴، ۳۴، ۴۳، ۵۵، ۷۵، ۱۲۵، ۱۳۰، ۱۳۵، ۱۳۶، ۱۶۷، ۱۶۸، ۱۷۳، ۲۱۰، ۲۳۱، ۲۳۲)

استعاره + تضاد

ز آتش و آبی که به هم در شکست / پیـه در و گـردۀ یـاقوت بست
(نظامی، ۱۳۸۸: الف: ۵)

«آتش» در مصرع نخست استعاره از نور خورشید است که با آب تضاد دارد.

بررسی ترکیب اندام‌وار صنایع ادبی با محوریت استعاره... □□ ۱۸۱

هم‌چنین در مصرع دوم، شاهد تشبیه ارگانیک هستیم که با تناسب پیوند خورده.

(ر.ک: ۷۹: ۱۳۸۴؛ الف: ۱۳۸۸؛ ۵، ۱۴؛ ب: ۱۳۸۸؛ ۱۹۶؛ ۱۳۸۹؛ ب: ۲۱، ۵۸)

استعاره + پارادوکس

عبیر افشانند بر ماه شب‌افروز به شب خورشید می‌پوشید در روز

(نظامی، ۱۳۸۵: ۷۰)

«شب» استعاره است از گیسوی شیرین و «خورشید» استعاره است از چهره او. همزمان شدن شب و روز پارادوکس دارد.

(ر.ک: نظامی ۱۳۸۴: ۱۵۳؛ ۱۳۸۵: ۲۴۹؛ الف: ۱۳۸۸؛ ۲۴؛ ب: ۱۳۸۹، ۱۹۸؛ الف: ۱۶۴؛ الف:

۱۵۲، ۱۵۹؛ ب: ۱۳۸۹؛ ۲۱، ۱۷۰)

استعاره + حسن تعلیل

چشم نیلوفر از شکنجه خواب جان در انداخته به قلعه آب

(۱۳۸۴: ۲۸۶)

گل نیلوفر در آب منزل دارد و در روز، درهم پیچیده و در شب، باز می‌شود. علت وجود گل نیلوفر در آب را از طریق حسن تعلیل بیان کرده. اما برای رسیدن به این مقصود لازم بوده است که نیلوفر از طریق استعاره به انسانی تشبیه شود که محکوم به شب بیداری است و خواب‌آلودگی او را رنج می‌دهد.

(ر.ک: ۱۶۳؛ ۱۳۸۴؛ ب: ۱۳۸۹؛ ۱۹۲، ۱۹۳)

استعاره + تلمیح

نازنینان مصر این پرگار بر تو عاشق شدند یوسف‌وار

خیز تا در تو یک نظاره کنند هم کف و هم ترنج پاره کنند

(۱۳۸۴: ۱۰)

«نازنینان» استعاره است از ستارگان یا فرشتگان، «مصر» استعاره از آسمان یا عالم بالا،

۱۸۲ ❏ بررسی ترکیب اندام‌وار صنایع ادبی با محوریت استعاره...

«پرگار» استعاره از هستی و «یوسف» استعاره از پیامبر. با توجه به بیت بعد، تلمیح دارد به داستان یوسف و زلیخا که زنان مصری هنگام مشاهده یوسف، به جای ترنج، دست‌های خود را بریدند.

(ر.ک: ۲۹۸؛ ۱۳۸۴؛ ۲۴؛ ۱۳۸۵؛ ۲۹۰؛ ۳۷۲؛ ۱۳۸۸ الف: ۶۱، ۱۰۵، ۱۱۶؛ ۱۳۸۸ ب: ۱۶، ۱۶۹؛

۱۳۸۹ الف: ۱۳۱، ۱۸۳؛ ۱۳۸۹ ب: ۱۵، ۷۳)

استعاره + جناس

آمد آورد پیش خیر فرراز گفت: گوهر به گوهر آمد باز

(۱۳۸۴: ۲۶۲)

در مصرع دوم، «گوهر» دوم استعاره از «خیر» است که با گوهر نخست که در معنای حقیقی خود به کار رفته جناس دارد.

(ر.ک: ۱۲۱؛ ۱۳۸۴؛ ۲۴۵، ۲۵۲، ۲۶۱، ۲۶۲، ۲۷۸؛ ۳۱۵؛ ۶۶؛ ۱۳۸۵؛ ۱۵۸، ۱۸۰؛ ۱۳۸۸ ب: ۲۰، ۱۰۱، ۱۲۱،

۲۲۰؛ ۱۳۸۹ الف: ۸۴، ۱۴۸، ۱۶۴؛ ۱۳۸۹ ب: ۱۶۷)

استعاره + مذهب کلامی

دری کآن ره‌آورد مرغ هواسست گرش آسمان برنگیرد، رواست

(۱۳۸۹ ب: ۱۶۶)

این بیت از اقبال‌نامه، به رسیدن اسکندر به بتخانه «قندهار» مربوط می‌شود. «در» در مصرع نخست، اشاره دارد به دو گوهری که دو پرنده به آن شهر آورده بودند و مردم شهر هم به واسطه این دو گوهر، بتی ساختند و از آن دو گوهر به جای چشم‌های بت استفاده کردند. یکی از زنان خدمت‌گزار معبد برای جلوگیری از شکستن بت توسط اسکندر، به روش کلامی، طوری سخن می‌گوید که او را وادار به تسلیم و پذیرش کند. به همین منظور، از طریق استعاره، اسکندر را با «آسمان» برابر گرفته است. در نتیجه می‌گوید: دری را که مرغان هوا (آسمان) برای این شهر به عنوان تحفه و هدیه آورده‌اند، اگر آسمان (اسکندر) آن را بازپس نگیرد روا باشد. (ر.ک: همان).

استعاره + ایهام تبادر

چنین مهدی که ماهش در نقاب است ز مه بگذر، سخن در آفتاب است

(۱۳۸۵: ۳۷۳)

در معنای اولیه و اصلی آن (اصلی بودن آن به جهت هم‌خوانی با مصرع بعد است)، «مهد» که با «ی» وحده همراه شده استعاره از دفتر شعر، «ماه» استعاره از معنا و «نقاب» استعاره از لفظ می‌باشد. در معنای ثانویه و دور از ذهن آن، «مهدی» ذهن را به سمت نام امام دوازدهم متبادر می‌کند، با توجه به مصراع دوم. ماه استعاره از چهره و نقاب استعاره از غیبت است.

(ر.ک: ۱۳۸۴: ۱۷۰)

استعاره + ایهام تناسب

به وقت مرگ با صد داغ حرمان ز گرگان رفت باید سوی کرمان

(۱۳۸۵: ۳۶۶)

«گرگان» استعاره از انسان‌های گرگ‌صفت است که با کرمان (کرم+ها) و کرمان (نام شهر) ایهام تناسب دارد.

(۱۳۸۴: ۱۹۶؛ ۳۲۸؛ ۱۰؛ ۱۳۸۵: ۱۶، ۱۷۳، ۳۲۸؛ الف: ۱۳۸۸؛ ۴۱؛ ۱۳۸۸؛ ب: ۴۹؛ ۱۳۸۹؛ ۲۳۲)

استعاره + تبدیل (طرد العکس)

ز آفت بیدبرگ باد خزان شاخ پر برگ بید دست‌گزان

(۱۳۸۴: ۲۸۷)

«بیدبرگ» نوعی پیکان تیر است که به صورت استعاری به بادخزان اضافه گردیده و تبدیل آن در مصرع دوم «برگ بید» است.

(ر.ک: ۱۳۸۴: ۳۲۷؛ الف: ۱۳۸۸؛ ۲۶)

ساخت‌های سه بعدی

استعاره + تشبیه + ایهام تناسب

محجوبیست ز زندگانی شه‌بیت قصیده جوانی

(۱۳۸۹ الف: ۵۴)

این بیت در وصف لیلی است و «شه‌بیت قصیده جوانی» استعاره از او است. در مصرع نخست هم زندگی به بیت (خانه) تشبیه شده که با بیت و قصیده ایهام تناسب دارد.

استعاره + تشبیه + تلمیح

ز آن تازه ترنج نورسیده نظاره ترنج کف بریده

(همان: ۵۵)

«تازه ترنج نورسیده» استعاره از زرخندان لیلی است که با توجه به مصرع دوم که کف دست نظاره (تماشاچیان) به «ترنج» تشبیه شده، تلمیح دارد به داستان یوسف و زلیخا و بریدن زنان مصر داستان خود را هنگام پوست کندن «ترنج» و دیدن جمال یوسف. (ر.ک: همان: ۱۵۶)

استعاره + تناسب + تشبیه

اول بیت ارچه به نام تو بست نام تو چون قافیه آخر نشست

(۱۳۸۸ الف: ۲۶)

«بیت» استعاره از عالم خلقت است و از طریق استعاره مکنیه، اولین مخلوق بودن پیامبر را به «صدر» مانند کرده. هم‌چنین خاتمیت پیامبر را به «قافیه» تشبیه کرده است. از طرفی بیت، صدر و قافیه با هم تناسب دارند.

(۱۳۸۴: ۷؛ ۱۶۴؛ ۲۱؛ ۱۳۸۵؛ ۶۸، ۷۰، ۷۳، ۱۶۹، ۱۹۷، ۲۶۲، ۲۸۷، ۲۹۲؛ ۱۳۸۸ ب: ۲۱، ۳۱،

۶۷؛ ۱۳۸۹ الف: ۱۷۳)

استعاره + حسن تعلیل + تشبیه + تناسب

به عنبرخوری نرگس خوابناک چو کافورتر سر برون زد ز خاک

(۱۳۸۹ ب: ۱۶۵)

بررسی ترکیب اندام‌وار صنایع ادبی با محوریت استعاره... ۱۸۵

در این بیت، با شخصیت قایل شدن برای گل «نرگس» از طریق استعارهٔ مکنیه، برای بیرون آمدن این گل از خاک، علت هنری اقامه کرده است. هم‌چنین با تشبیه آن به «کافور تر» که با «عنبر» تناسب برقرار کرده، تشبیه ارگانیک هم به این ترکیب اضافه شده.

(ر.ک: ۱۳۸۹ الف: ۵۵)

استعاره + حسن تعلیل + تناسب

فشانده از دیده باران سحابی که طالع شد قمر در برج آبی

(۱۳۸۵: ۶۹)

به منظور این که برای گریهٔ خسرو دلیل هنری اقامه کند، از طریق استعاره اشک خسرو را با «باران سحابی» و شیرین را با «قمر» و چشمه‌ای را که شیرین در آن شستشو می‌کرد با «برج آبی» همانند گرفته است. میان باران و طالع شدن قمر در برج آبی تناسب وجود دارد: «طلوع قمر از برج آبی نزد منجمان قدیم دلیل نزول باران بوده». (ر.ک: همان: ۲۴، ۴۴، ۲۱۲)

استعاره + حسن تعلیل + استخدام

همانا شمع از آن با آب دیده‌ست که او نیز از لب شیرین بریده‌ست

(۱۳۸۵: ۲۶۲)

شاعر از زبان خسرو برای تأیید و تأکید بر گریستنش در فراق شیرین، به مدد حسن تعلیل و استعارهٔ مکنیه، آب شدن شمع در هنگام سوختن را به دوری او از شیرین نسبت داده. اما در رابطه با شمع، صفت جانشین موصوف است به معنی عسل شیرین و در رابطه با خسرو نام معشوقش مراد است.

استعاره + تبدیل + تناسب

موی به مویت ز حبش تا طراز تازی و ترک آمده در ترک‌آز

(۱۳۸۸ الف: ۸۸)

این بیت در بیان برابری موهای سفید و سیاه یا همان دومی شدن است. حبش و تازی استعاره از موی سیاه. طراز و ترک استعاره از موی سپید. هم‌چنین با آمدن «تازی و ترک» و

□ فصلنامه زیبایی‌شناسی ادبی ❖ سال شانزدهم ❖ شماره ۳۵

۱۸۶ ❏ بررسی ترکیب اندام‌وار صنایع ادبی با محوریت استعاره...

«ترکتاز» صنعت تبدیل و از طریق هم‌نشینی تازی، ترک، حبش و طراز صنعت تناسب ایجاد شده. (ر.ک: ۱۳۸۸:ب: ۱۳)

استعاره + تشبیه + جناس

سَنبِل او سَنبِلَه روزه تـاب گـوهر او لـعل گـر آفتـاب
(۱۳۸۸ الف: ۲۰)

«سنبِل» استعاره از زلف پیامبر است که به «سنبِلَه» (یکی از صورت‌های فلکی) تشبیه شده است. هم‌چنین میان سنبِل و سنبِلَه جناس برقرار است.

استعاره + استخدام + تناسب

از آن ابر عاصی چنان ریزم آب که نارد دگر دست بر آفتاب
(۱۳۸۸:ب: ۷۴)

در این بیت شرف‌نامه که از زبان «دارا» و خطاب به اسکندر است، «ابر عاصی» استعاره است از اسکندر. ریختن «آب» در باره مستعارله (اسکندر) عبارت است از آبرو و در باره مستعار منه (ابر عاصی) عبارت است از باران. هم‌چنین ابر با آب و آفتاب تناسب دارد. (ر.ک: همان: ۱۴۱). شبیه این ساختار را در «تشبیه استخدامی» می‌شناسیم که آن نیز پیوند اندام‌وار صنعت «تشبیه» و صنعت «استخدام» است.

ساخت‌های چهار بعدی

استعاره + تشبیه + ایهام + تناسب + جناس

شـعری بـه سـیاقـت یـمـانی بـی شـعـر بـه آسـتین فـشـانی
(۱۳۸۹ الف: ۱۵۵)

در این بیت به بیانی استعاری، آستین‌افشانی (رقصیدن) به ستاره «شعرا» نسبت داده شده و در رقصیدن بدون شعرخوانی، به یمانیان تشبیه گردیده. بین یمانی و شعرا (شعرا یمانی) ایهام تناسب، و شعری و شعر جناس برقرار است.

بررسی ترکیب اندام‌وار صنایع ادبی با محوریت استعاره... ۱۸۷

استعاره + جناس + تشبیه + استخدام + تناسب

بر آن سر کآسمان سیماب ریزد چو سیماب از بت سیمین گریزد

(۱۳۸۵: ۳۲۴)

این بیت یکی از پیچیده‌ترین و هنرمندانه‌ترین ترکیب‌هایی است که در شعرهای نظامی وجود دارد. معنای بیت این است: مرد سفیدموی و پیر، مانند جیوه که با نقره ممزوج نمی‌شود، از معشوق جوان سفیدپوست می‌گریزد.

سیماب در مصرع اول استعاره از موی سفید است. ولی در مصرع دوم به عنوان مشبه به در معنای حقیقی‌اش (جیوه) به کار رفته است، در نتیجه جناس برقرار شده است. صنعت دیگری که در این ترکیب وجود دارد، تشبیه است. در مصرع دوم، انسان سفیدموی به سیماب تشبیه گردیده. اما خود این تشبیه، با صنعت «استخدام» ترکیب ارگانیک یافته. «سیمین» برای مشبه (انسان سفید موی و پیر) به عنوان صفت سفیدی برای بت (معشوق) به کار رفته و برای مشبه به (سیماب) در معنای نقره به کار رفته. میان سیماب و سیمین هم رعایت تناسب گردیده است. نقره و جیوه همدیگر را دفع می‌کنند.

استعاره در استعاره + کنایه + تناسب

پای سخن را که درازست دست سَنگ سَراپرده او سر شکست

(۱۳۸۸ الف: ۶)

استعاره در استعاره: سخن به خاطر داشتن «پا» به انسان ماندشده. بار دیگر، پا که از لوازم مستعارمنه (انسان) بوده در نقش مستعارله ظاهر گردیده و به خاطر داشتن «سر» به عنوان انسان فرض شده. هم‌چنین از طریق تعبیر کنایی «درازست دست» و نسبت آن به «سخن» و انسان‌انگاری «پا» از طریق «سر شکست» تناسب برقرار شده.

استعاره + کنایه + جناس + تناسب

ابروی حبش به چین درآمد کآیینۀ چین ز چین برآمد

(۱۳۸۹ الف: ۱۱۰)

□ فصلنامه زیبایی‌شناسی ادبی ❖ سال شانزدهم ❖ شماره ۳۵

۱۸۸ ■ بررسی ترکیب اندام‌وار صنایع ادبی با محوریت استعاره...

«حبش» استعاره از شب است و «به چین درآمدن ابرو» کنایه از غمگین یا خشمگین شدن آن است که اشاره به شکستن شب و طلوع خورشید دارد. هم‌چنین، واژه چین (شکنج) در این ترکیب کنایی با چین (نام کشور) در مصرع دوم جناس دارد. حبش با کشور چین نیز تناسب دارد.

استعاره + تشبیه + استخدام + تناسب + جناس

نیفه روبه چو پلنگی به زیر نافه آهو شده زنجیر شیر

(۱۳۸۸ الف: ۵۹)

در این بیت «نافه آهو» که استعاره از زلف است، تشبیه شده به «زنجیر شیر». تشبیه در این بیت با صنعت استخدام ترکیب ارگانیک دارد. زیرا شیر در مناسبت با زنجیر، در معنای حقیقی‌اش متصور است و با توجه به تمام مصراع، استعاره است از معشوق. شیر، آهو، پلنگ و روباه هم تناسب دارند. بین نیفه و نافه هم جناس دیده می‌شود. (ر.ک: ۱۳۸۵: ۴۳)

بسامد ساخت‌های استعاره‌های اندام‌وار در پنج‌گنج

در زیر بسامد هر یک از ساخت‌های معرفی‌شده در بخش پیشین، در منظومه‌های نظامی از طریق جدول نشان داده خواهد شد. قابل ذکر است، با توجه به حجم بالای کار، احتمال می‌دهیم موارد بسیار اندکی وجود داشته باشد که از آن‌ها غافل شده باشیم، در نتیجه ادعا نمی‌کنیم که آمارهای ارایه شده قطعی و به دور از خطا است، اما بی‌شک، میزان به کارگیری هر یک از ساخت‌ها در منظومه‌های نظامی به خوبی نشان خواهد داد.

بررسی ترکیب اندام‌وار صنایع ادبی با محوریت استعاره... ۱۸۹

جدول ساخت‌های دو بعدی

مجموع	بسامد هر یک از ساخت‌ها در پنج گنج						ساخت‌های دو بعدی
	اقبال‌نامه	شرف‌نامه	لیلی و مجنون	هفت‌پیکر	خسرو و شیرین	مخزن‌الاسرار	
۱۳۳	۲۰ مورد	۳۸ مورد	۳۲ مورد	۱۷ مورد	۲۳ مورد	۳ مورد	استعاره + تناسب
۶	۲	۱	-	۱	-	۲	استعاره + تضاد
۱۰	۲	۲	۲	۱	۲	۱	استعاره + پارادوکس
۳	۲	-	-	۱	-	-	استعاره + حسن تعلیل
۱۷	۲	۳	۲	۲	۴	۴	استعاره + تلمیح
۲۰	۱	۴	۳	۹	۳	-	استعاره + جناس
۲	۲	-	-	-	-	-	استعاره + مذهب‌کلامی
۲	-	-	-	۱	۱	-	استعاره + ایهام
۱۰	۱	۱	-	۲	۵	۱	استعاره + ایهام تناسب
۲	-	۲	-	-	-	-	استعاره + استخدام
۳	-	-	-	۲	-	۱	استعاره + تبدیل

«جدول ساخت‌های سه بعدی»

مجموع	بسامد ساخت‌ها در پنج گنج						ساخت‌های سه بعدی
	اقبال‌نامه	شرف‌نامه	لیلی و مجنون	هفت‌پیکر	خسرو و شیرین	مخزن‌الاسرار	
۱	-	-	۱	-	-	-	استعاره + تشبیه + ایهام تناسب
۳	-	-	۲	-	۱	-	استعاره + تشبیه + تلمیح
۱۷	-	۳	۱	۲	۱۰	۱	استعاره + تناسب + تشبیه
۲	۱	-	۱	-	-	-	استعاره + حسن تعلیل + (تشبیه + تناسب)
۴	-	-	-	-	۴	-	استعاره + حسن تعلیل + تناسب
۱	-	-	-	-	۱	-	استعاره + حسن تعلیل + استخدام
۲	-	۱	-	-	-	۱	استعاره + تبدیل + تناسب
	-	-	-	-	-	۱	استعاره + تشبیه + جناس
۱	-	-	۱	-	-	-	استعاره + کنایه + جناس
۲	-	-	-	-	۱	۱	استعاره + (تشبیه + استخدام) + تناسب

۱۹۰ بررسی ترکیب اندام‌وار صنایع ادبی با محوریت استعاره...

جدول ساخت‌های چهاربعدهی

بسامد ساخت‌ها در پنج گنج							ساخت‌های چهاربعدهی
مجموع	اقبال‌نامه	شرف‌نامه	لیلی و مجنون	هفت‌پیکر	خسرو و شیرین	مخزن‌الاسرار	
۱	-	-	۱	-	-	-	استعاره + تشبیه + ایهام تناسب + جناس
۱	-	-	-	-	۱	-	استعاره + جناس + (تشبیه + استخدام) + تناسب
۱	-	-	-	-	-	۱	استعاره در استعاره + کنایه + تناسب

نتیجه

در این پژوهش بر این موضوع تأکید شد که غافل بودن بلاغیون از متن‌های ادبی از جمله عواملی بوده است که باعث گردیده بلاغت سنتی از پیشرفت باز بماند و نوآوری‌های شاعران و نویسندگان نادیده گرفته شود. یک نمونه از این خلاقیت‌ها و نوآوری‌ها، پیوند اندام‌وار صنایع است که گاه به صوت گذرا و غیر نظام‌مند، از جانب برخی از محققان سنتی یا معاصر، فارغ از مبانی و روش‌های بلاغت سنتی مورد اشاره قرار گرفته است. اما در این پژوهش با محوریت قراردادن استعاره در پنج گنج نظامی تلاش شد تا به صورت علمی و نظام‌مند، قابلیت‌های این حقیقت ادبی نشان داده شود. به همین منظور تمامی ساخت‌های یافت‌شده را به همراه نمونه و توضیحات لازم معرفی کردیم. چنان که ملاحظه شد، استعاره‌ها با صنعت‌های مختلف بیانی و بدیعی، در منظومه‌های نظامی با هم ترکیب شده و ساخت‌های تازه مرکبی را ایجاد نمودند که در غنابخشیدن به زبان شعری و گسترش خلاقیت‌های ادبی نظامی نقش برجسته‌ای را ایفا کرده است.

منابع و مأخذ

- ۱- آزاد بلگرامی، میرغلامعلی. غزالان الهند: مطالعه تطبیقی بلاغت هندی و فارسی به انضمام فصلی در وزن‌شناسی، به تصحیح سیروس شمیسا، تهران: صدای معاصر، ۱۳۸۲.
- ۲- پاینده، حسین، «میانی فرمالیسم در نقد ادبی». کیهان فرهنگی، سال هفتم، شماره ۳، ۱۳۶۹.
- ۳- تاج‌الحلای، علی بن محمد. دقایق الشعر: علم بدیع و صنایع شعری در زبان پارسی دری. به تصحیح محمدکاظم امام. تهران: دانشگاه تهران، ۱۳۸۳.
- ۴- حسین‌پناهی، فردید؛ سیداحمد پارسا، «استعاره‌های ترکیبی، گونه‌ای نویافته از استعاره در سروده‌های خاقانی شروانی». مجله بوستان ادب دانشگاه شیراز، سال سوم، شماره دوم، تابستان، پیاپی ۸، ۱۳۹۰.
- ۵- خبازها، رضا، «ساخت‌های بلاغی مرکب و کاربرد آنها در تخلص به مدح». ادب پژوهی، شماره چهاردهم، ۱۳۸۹.
- ۶- ضیف، شوقی. تاریخ و تطوّر علوم بلاغت. ترجمه محمدرضا ترکی. تهران: سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه‌ها (سمت)، ۱۳۸۳.
- ۷- گری، مارتین. فرهنگ اصطلاحات ادبی در زبان انگلیسی. ترجمه منصوره شریف‌زاده. تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، ۱۳۸۲.
- ۸- نظامی، الیاس بن یوسف، هفت پیکر. تصحیح و حواشی حسن وحید دستگردی، تهران: زوّار، ۱۳۸۴.
- ۹- _____ . خسرو و شیرین. تصحیح و حواشی حسن وحید دستگردی، تهران: زوّار، ۱۳۸۵.
- ۱۰- _____ . (الف)، مخزن‌الاسرار. تصحیح و حواشی حسن وحید دستگردی، تهران: زوّار، ۱۳۸۸.
- ۱۱- _____ . (ب)، شرف‌نامه. تصحیح و حواشی حسن وحید دستگردی، تهران: زوّار، ۱۳۸۸.
- ۱۲- _____ . (۱ الف)، لیلی و مجنون. تصحیح و حواشی حسن وحید دستگردی، تهران: زوّار، ۱۳۸۹.

بررسی ترکیب اندام‌وار صنایع ادبی با محوریت استعاره... ۱۹۳ □

۱۳- _____ . (ب)، اقبال‌نامه، تصحیح و حواشی حسن وحید دستگردی، تهران: زوآر، ۱۳۸۹.

۱۴- وحیدیان کامیار، تقی. بدیع از دیدگاه زیبایی‌شناسی. تهران: دوستان، ۱۳۷۹.

۱۵- همایی، جلال‌الدین. فنون بلاغت و صناعات ادبی. تهران: هما، ۱۳۸۶.